

روش اجتهادی؛ شیوه برخورد درست با روایات تفسیری



روش برخورد درست با روایات تفسیری روش اجتهادی است و روایات تفسیری را باید به فقیه یعنی شخصی که توانایی اجتهاد دارد، واگذار کرد تا با بررسی‌های خود، تبیین‌ها و روشنگری‌های لازم را در مورد اسناد، مفاد و چگونگی دلالت آن‌ها و موضع و معنای درست این روایات ارائه کند.

روش برخورد درست با روایات تفسیری روش اجتهادی است و روایات تفسیری را باید به فقیه یعنی شخصی که توانایی اجتهاد دارد، واگذار کرد تا با بررسی‌های خود، تبیین‌ها و روشنگری‌های لازم را در مورد اسناد، مفاد و چگونگی دلالت آن‌ها و موضع و معنای درست این روایات ارائه کند.

حجت‌الاسلام و المسلمین محمدصادق یوسفی مقدم، رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم، در گفت‌وگو با خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، با بیان این که تفاوت دیدگاه‌ها در مورد حجیت و عدم حجیت روایات یکی از مسائل اختلافی در تفسیر روایی است، گفت: از آسیب‌های تفسیر روایی نگاه افراطی یا تفریطی در مورد حجیت روایات است. در این خصوص نه وجود روایات جعلی و اسرائیلیات دلیل موجهی برای عدم استفاده از روایات تفسیری است و نه می‌توان با نگاهی اخباری‌گرایانه از دیگر ظرفیت‌هایی که می‌توانند برداشت‌های قرآنی را تعالی بخشند، فاصله گرفت.

یوسفی مقدم افزود: گاه غرض از نوشته شدن يك تفسیر روایی، جمع‌آوری روایات است، گاه غرض تحقیق درباره روایات و تبیین دیدگاه‌هایی است که در روایات وجود دارد و گاه ممکن است يك تفسیر روایی به دنبال ارائه يك تفسیر نهایی از آیات قرآن باشد. اما آنچه یقیناً ضروری است این است که در روایات تفسیری باید تأمل شود و این روایات باید از جهات مختلف تجزیه و تحلیل شده و از نظر سندی و از نظر دلالتی مورد بررسی قرار گیرند.

وی روش برخورد درست با روایات تفسیری را روش اجتهادی دانست و گفت: روایات تفسیری را باید به فقیه یعنی شخصی که توانایی اجتهاد دارد واگذار کرد تا با بررسی‌های خود، تبیین‌ها و روشنگری‌های لازم را در مورد اسناد، مفاد و چگونگی دلالت آن‌ها و موضع و معنای درست این روایات ارائه کند. در واقع مجتهد است که می‌تواند به طور دقیق و درست با تفاسیر روایی و روایات تفسیری برخورد کند.

باید در تفسیر به همه ظرفیت‌ها توجه کنیم و این همان عمل اجتهاد است، یعنی روش اجتهادی روشی است که در آن به همه ظرفیت‌ها توجه می‌شود و مجتهد کسی است که از همه ابزارهای مشروع و ممکن برای استفاده از قرآن بهره می‌گیرد.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم ادامه داد: در روش اجتهادی اگر روایتی از نظر سند دارای اشکال باشد این اشکال سندی تبیین می‌شود. اگر روایاتی مقید باشند اینکه چگونه این روایات اطلاق قرآن را تقیید می‌کنند تبیین می‌شود. اگر روایاتی مخصص هستند تبیین می‌شود که چگونه این روایات تخصیص‌زننده عموم قرآن کریم هستند.

یوسفی مقدم همچنین با اشاره به این که تکیه به صرف روایات تفسیری مطلوب نیست، عنوان کرد: اساساً ما نمی‌توانیم تنها به تفاسیر روایی و تفاسیر مأثور، برای دستیابی به برداشت‌های قابل ارائه‌ای که نیاز و مشکلات جامعه را برطرف کند، مراجعه کنیم. تفاسیر روایی منابع معتبری هستند که باید در اختیار فقیه و مجتهد قرار گیرند تا او با روش صحیح اجتهادی، برداشتی صحیح و جامع از روایات ارائه کند.

وی با تأکید بر این که تفاسیر روایی به تنهایی نمی‌توانند حل مشکل نیاز کنند، بیان کرد: ما نمی‌توانیم براساس تفاسیر روایی به نیازهای جامعه بپردازیم و براساس این گونه تفسیری به مسائل جامعه پاسخ گوئیم، بلکه تفاسیر روایی و روایات تفسیری را باید همچون ظرفیتی دید که همراه با ظرفیت خود قرآن کریم که در تفسیر قرآن به قرآن بر آن تکیه می‌شود، در تفسیر اجتهادی قابلیت خود را نشان می‌دهند.

رئیس مرکز فرهنگ و معارف قرآن کریم افزود: ما باید در تفسیر به همه ظرفیت‌ها توجه کنیم و این همان عمل اجتهاد است، یعنی روش اجتهادی روشی است که در آن به همه ظرفیت‌ها توجه می‌شود و مجتهد کسی است که از همه ابزارهای مشروع و ممکن برای استفاده از قرآن بهره می‌گیرد. در این راه برخی از ابزارها، ابزارهای مشترکند که در تمامی آیات مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و برخی از ابزارها نیز ابزارهای خاص‌اند که استفاده از آن‌ها برای برداشت معانی از قرآن نیازمند درجه فقاقت و آگاهی فقیهانه است.

یوسفی مقدم همچنین با اشاره به بکارگیری اصول فقه به عنوان مبانی و اصول عام استنباط در تفسیر، گفت: این مبانی عام که به طور

کلی در اصول فقه مطرح شده و در اجتهاد فقهی به عنوان منطق عمل در فقه مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، مبانی و قواعدی مشترك است که علاوه بر استنباطات فقهی در تفسیر نیز به کار گرفته می‌شود و تفسیر اجتهادی از آن بهره می‌برد اما در تفسیر، علاوه بر این قواعد مشترك که در فقه مورد توجه قرار می‌گیرد، اقتضائات خاص تفسیر قرآن را نیز باید مورد توجه قرار داد.